

ناسیونالیسم عمیقاً ضد انسانی است جنگ غزه و اپوزیسیون راست ایران

سیاوش دانشور

صفحه ۳

جنگ اسرائیل با حماس یا نسل کشی در فلسطین؟ نکبه دوم یا آغاز پایان پرده آخر!

آذر ماجدی

صفحه ۵

حملات هوایی دولت فاشیست ترکیه به شمال سوریه و کشتار مردم بیدفاع

سعید یگانه

صفحه ۷

لطفا دقت کنید، روی یقه های سفید تان خون کودکان غزه و انقلابیون ایران دیده میشود!

پروین کابلی

صفحه ۷

آرمیتا گراوند انکارزن در زندگی و مرگ

سیاوش دانشور

صفحه ۸

جنگ در غزه و موضع ناسیونالیستهای عظمت طلب ایرانی

سعید یگانه

صفحه ۹

ستون اخبار کارگری و اعتراضات اجتماعی تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

صفحه ۱۱



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-Communist Party of Iran
Hekmatist

جمعه ۱۲ آبان ۱۴۰۲ - ۳ نوامبر ۲۰۲۳

اعلامیه حزب حکمتیست

پرده جدید فاشیسم و آپارتاید در قرن بیست و یکم جهان باید علیه هولاکاست در غزه بپاخیزد!

کشتار روزافزون کودکان و مردم عادی در غزه نفس را در سینه جهان حبس کرده است. دولتها و سازمان ملل و صنعت حقوق بشر با همه امکانات و اهرمها، ظاهراً ناتوان از رسیدن به یک آتش بس موقت و تامین کمکهای انساندوستانه فوری اند. اما فروکاستن جنگ به تقابل ارتش اسرائیل با شبه نظامیان حماس در غزه و حتی به مسئله تاریخی فلسطین، در عین آنکه این فاکتورها از اجزای صورت مسئله اند، توجه ها را از ابعاد گسترده تر و اهداف جنگ جاری دور میکند. میدان این جنگ غزه و بدرجه ای کرانه باختری است اما اهداف بسیار فراتری را تعقیب میکند. لابلای بمبارانهای مهیب و قتل عام بی تبعیض، در دود و غبار انفجار مناطق مسکونی و بیمارستانها و قطعه قطعه شدن غیرنظامیان و بیماران، در متن نسل کشی کودکان فلسطینی که یک سوم تلفات تاکنونی را بخود اختصاص میدهند، تولد همراه با چرک و خون یک نظم جدید را مشاهده میکنیم: رسمیت دادن مجدد به نظم آپارتاید با سیاست کولونیالیستی الحاق تنمه سرزمینهای فلسطینی، پاکسازی جمعی و قتل عام مردم گرسنه و بیمار در اردوگاه بزرگ غزه. این طلوع خونین "خاورمیانه جدید" است.

این اشتباه را نباید مرتکب شد که امثال بایدن و شرکای غربی و حامیان فالانژ

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



شهروندان کره خاکی شاهد یکی از هولناک ترین کشتارهای کودکان و مردم گرسنه و محرومی هستند که نه دستی در این جنگ و تروریسم کور دارند و نه راهی برای فرار از آن. آنها قربانیان هولاکاست غزه و نظم آپارتاید قومی و مذهبی اسرائیل اند. صنعت حقوق بشر مرده است چون رؤسایش جلو صحنه اند، سازمان ملل ناتوان تر از هر زمانی است، "بشر" طبق اصل اساسی آپارتاید مشمول فلسطینی ها نمیشود. مهمتر، دنیا هنوز باندازه کافی و

موثر برای کشیدن لگام تروریستها بمیدان نیامده است، لذا ماشین جنگی دولت اسرائیل با فراغ بال و با حمایت مالی و نظامی و اطلاعاتی و سانسور دولتهای غربی به قتل عام و تهاجم هوایی و دریایی و زمینی ادامه میدهد. اسرائیل هر ده دقیقه یک کودک می کشد، هر روز بیمارستان و مراکز درمانی را مورد هدف قرار میدهد، سر سوزنی برای قطعنامه اخیر سازمان ملل ارزش قائل نیست، وعده نابودی کامل غزه را میدهد و همه اینها با عبارت مضحک "دفاع از خود" توجیه میشود. مسئولان بهداشت و درمان غزه از دستکم ۸۳۰۶ نفر کشته سخن میگویند که ۳۴۵۷ نفر آنها کودک، ۲۱۳۶ نفر زن و ۴۸۰ نفر از سالمندان بودند. سیستم درمانی و بیمارستانهای غزه بدلیل فقدان دارو و برق و غذا و امکانات اولیه در حال سقوط است. دولتهای منطقه خواهان پذیرش آواره ها نیستند چون میدانند راه برگشتی وجود ندارد. استقرار جان بدربرندگان در گوشه ای از صحرای سینا و چادرنشینی جزو سناریوی پاکسازی قومی است. امید داشتن به دولتهای مدافع دموکراسی که خود بازیگر این سناریوی خونی هستند اشتباه بزرگی است. پیوند دادن مسئله فلسطین و حل آن به جریان تروریستی حماس و تبیین حمله تروریستی حماس به مردم عادی اسرائیل بعنوان "واکنش طبیعی و تاریخی مردم فلسطین به ستمهای اسرائیل" اشتباهی به همان اندازه مهلک است. این دو صورت مسئله اوضاع کنونی و حل مسئله فلسطین اند.

دنیا باید علیه این آپارتاید و کشتار بایستد. طبقه کارگر و مردم آزادیخواه جهان و منطقه خاورمیانه ضروری است علیه کل این اوضاع و آینده تاریکی که در پس این جنگ ترسیم میشود بپاخیزند. تروریسم و جنایت حماس علیه غیر نظامیان محکوم است اما این تروریسم کور با خاک یکسان کردن یک شهر و بازسازی هولاکاست در غزه را توجیه نمیکند. تروریسم هوایی و نسل کشی پاسخ تروریسم اسلامی نیست. کارگران کشورهای خاورمیانه و جهان هیچ منفعتی در برآمد فاشیسم و آپارتاید در خاورمیانه و جست و خیز جریانات فاشیستی در اروپا ندارند. مردم جهان از تروریسم اسلامی و مجازات جمعی بیزارند. ریاکاری دموکراسی و دفاع نظم سرمایه از تروریسم و آپارتاید را باید بمصاف طلبید. دولتهای اسلامی و استبدادی را باید در خاورمیانه سرنگون کرد. مسئله فلسطین باید بصورت عادلانه حل شود. پیشاپیش آمریکا و دولتهای غربی و ائتلاف ماشین جنگی اسرائیل را باید وادار به توقف فوری نسل کشی و بمباران در غزه کرد. مسئولین قتل عام هزاران کودک و مردم عادی و جنایت جنگی باید محاکمه شوند.

**توقف فوری جنگ و بمباران مردم غیر نظامی!
علیه هولاکاست غزه و مجازات جمعی فلسطینی ها!
مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۹ آبان ۱۴۰۲ - ۳۱ اکتبر ۲۰۲۳

اعلامیه حزب حکمتیست

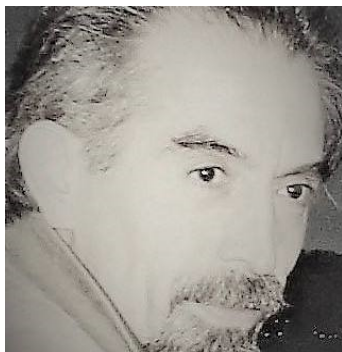
پرده جدید فاشیسم و آپارتاید در قرن بیست و یکم، جهان باید علیه هولاکاست در غزه بپاخیزد!

تداوم قتل عام دولت اسرائیل در غزه، معنا و مصداق "جنایت جنگی"، "مجازات جمعی"، "نسل کشی"، "پاکسازی قومی" و "آپارتاید مذهبی و نژادی" را نمیدانند و یا از بی توجهی مطلق دولت اسرائیل به مصویات سازمان ملل بیخبرند. برعکس، این نظم جهانی سرمایه داری است که پیشگسوت این روشها است، خود از خالقین و مجریان آنها بوده است و امروز در متن چرخش به راست جهانی بار دیگر به آپارتاید نژادی و مذهبی و روشهای متناسب با آن رسمیت میدهد. مسئولیت آنچه در غزه امروز اتفاق می افتد، بایستن و دولت آمریکا و ائتلاف دولتهای غربی و دولت اسرائیل و رسانه های بی شرمی هستند که ابزار توجیه هولاکاست در قرن بیست و یکم شده اند. فاشیسم تاریخی محصول دموکراسی بوده است، همیظور اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی.

امروز نیز ائتلاف نتانیاهو و فاشیستهای اسرائیلی تا انواع احزاب فاشیستی و حتی ضد یهود در اروپا، احزاب دست راستی در کشورهای مختلف از جمله در ایران، دولتهای دموکراسی و رسانه های مزدور؛ ائتلاف بزرگی است که کل این واپسگرانی در جوامع و روشهای جنایت جمعی و تروریسم کور را نمایندگی میکنند. در سوی دیگر، جنبش مرتجع و بورژوائی اسلام سیاسی از جمهوری اسلامی تا حماس، مسئله فلسطین را سپری برای جدال قدرت و منفعت خویش کردند و در سیاست و روش و عملکرد با نتانیاهو ها فصل مشترک جدی دارند. هر دو بر آپارتاید مذهبی و نفرت قومی تکیه دارند و هر دو خواهان نفی مسئله فلسطین اند. در این میان نیروهای خواهان حل عادلانه مسئله فلسطین، مردم عادی در فلسطین و اسرائیل، بشریتی که این ترور و توحش و آپارتاید را نمیخواهد، هزینه این جنگ ارتجاعی را میدهند.

نتانیاهو و وزرای رسماً فاشیست وی، سیاست کابینه جنگی برای الحاق کامل سرزمینهای فلسطینی و پاکسازی قومی فلسطینیان و کوچاندن اجباری آنها از خانه و کاشانه شان با بهانه نابودی حماس، تنها پرده ای از جدال ارتجاعی در خاورمیانه و جهان است. حماس یک نیروی تروریستی و ارتجاعی دست ساز خود این دولتهاست و تاکنون با حمایت همین دولتهای ارتجاعی سرپا مانده است. مسئله فلسطین بعنوان معرفه ترین مسئله ملی جهان در قرن بیستم، ۷۵ سال تاریخ خونین جنگ و اشغال و پاکسازی قومی پشت سر دارد. در کش و قوس معادلات سیاسی دوران جنگ سرد، در کشورهای منطقه از جمله در فلسطین، حماس و جنبش اسلامی پر و بال داده شد تا سکولارها و چپگرایان در مسئله فلسطین تضعیف و حاشیه ای شوند. خاصیت حماس اینبود که مسئله ملی فلسطین را به یک مسئله مذهبی و یک تقابل دینی بدل میکرد. حماس بهانه ای است که اسرائیل بتواند سیاست الحاق کامل را پیش ببرد و جمهوری اسلامی و جنبش اسلامی بتواند با سوءاستفاده از مسئله فلسطین در منطقه ابراز وجود و معامله کند. این دو در دست هم بازی میکنند، یکی به دیگری پلانتفرم میدهد، در واقع نتانیاهو و حماس، تروریسم دولتی و تروریسم اسلامی، هر دو خواهان نفی مسئله فلسطین اند و ربطی به حل مسئله فلسطین ندارند. حل مسئله فلسطین نیز در گرو انزوی هر دوی اینهاست.

مرگ بر جمهوری اسلامی!



جنگ کنونی جنبش اسلامی در منطقه و مشخصاً نیروهای موسوم به "محور مقاومت" را تقویت و آنرا وثیقه بقای خویش در تقابل با امواج مبارزه انقلابی نماید. همان "محور مقاومتی" که امثال جودیت باتلر آنرا به عنوان "بخشی از چپ جهانی و پیشرو" معرفی میکند تا اسلام زدگی و ارتجاع زدگی خود را توضیح دهد. چپی که از ارتجاع به هر بهانه ای دفاع کند یک راست

خجول و بی پرنسیپ است. کسانی که از سر ضدیت با ناتو طرفدار روسیه استبدادی پوین و دیکتاتوری کار ارزان چین شی جین پینگ میشوند، همفکران همین جودیت باتلر هستند. کسانی که از سر ضدیت با دولت آپارتاید یهودی در اسرائیل از آپارتاید اسلامی در فلسطین و منطقه دفاع میکنند جزو همین "محور مقاومت" اند. عناصر و نیروهایی که حمله حماس را "واکنش مشروع به ستم تاریخی اسرائیل" تبیین میکنند، بسختی از اردوی "محور مقاومت" قابل تفکیک اند. جنبش اسلامی روی دوش این پاسدار- روشنفکران چپ نما ارتزاق سیاسی میکند.

ناسیونالیسم و جنگ غزه

ناسیونالیسم و رگه های مختلف آن بمثابة یک بستر در تحلیل نهایی سیاست واحدی دارد. موارد تاریخی از موضع ناسیونالیسم چپ در قبال جنگ و در بحران اخیر، از جمله موضع جودیت باتلر بعنوان یک نمونه تیپیک از دیدگاه ناسیونالیسم ضد امپریالیستی، کمک میکند تا فصل مشترکها با بستر اصلی ناسیونالیسم بعنوان یک ایدئولوژی اصلی طبقه بورژوازی روشن تر شود.

جنگ بحرانی است که سیاست را به نقطه جوش میرساند و در فضای قطبی و زبان گلوله و بمب مواضع بینابینی رنگ می بازند. جنگ مانند دوره انقلابی مجالی به وسط بازی نمیدهد. جریانات بورژوازی ایران اعم از سلطنت طلب و مجاهد و جمهوریخواه ملی و ناسیونالیست قومی، بدرجات متفاوت قطبنمای سیاسی شان را با سیاست کمپ دولتهای غربی تنظیم میکنند. این نیروها هر اختلاف درون طبقاتی و درون خانوادگی داشته باشند، در این واقعیت که حاکمیتی بورژوازی میخواهند، طرفدار تجارت آزاد و بازار و جامعه طبقاتی با تمام مشخصات آنند، تغییری ایجاد نمیکند. تفاوت این نیروها در سنت های مبارزاتی و در نحوه برخورد به سیاست و راه هائی است که رسیدن به قدرت سیاسی را از نظر ایشان هموار میکند.

ناسیونالیسم ایرانی و سلطنت طلبان

از اولین روز جنگ تروریستی اخیر، سلطنت طلبان اعلام کردند که کنار اسرائیل ایستاده اند. احزاب راست افراطی در کشورهای اروپا و احزاب فاشیست که رسماً ضد یهود هستند در جنگ جاری کنار دولت نتانیا هو و کابینه فاشیستی اش ایستادند. سلطنت طلبان در این صفبندی جهانی قرار دارند. ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی، فرسگردی های فاشیست از سر ضدیت تاریخی با مردم عرب زبان و برتری جوئی آریائی از یکسو و همراهی با ائتلاف ناتو و غرب از سوی دیگر، آگاهانه از سیاست و عملکرد جنایتکارانه نظم آپارتاید مذهبی - قومی اسرائیل دفاع میکنند.

این موضعگیری سلطنت طلبان و جریانات مشابه نه جدید بود و نه مایه تعجب ناظران سیاسی. آنچه که قابل توجه و درسگیری مجدد است، پتانسیل عظیم ضد انسانی ناسیونالیسم است. ناسیونالیسم ذره ای حس انساندوستی ندارد، به هیچ معیار انسانی پایبند نیست و در چشم بهم زدنی میتواند فاشیست شود. ناسیونالیسم راجع به "حقوق بشر" و "پاره آجر منشور کوروش" سخن میگوید اما از نتانیا هو برای کشتن کودکان و مردم غیر نظامی در فلسطین اشتباهی بیشتری دارد. ناسیونالیسم

ناسیونالیسم عمیقاً ضد انسانی است جنگ غزه و اپوزیسیون راست ایران

سیاوش دانشور

کمتر موضوعی مانند جنگ برملاکننده تمایلات واقعی نیروها و جریانات سیاسی است. جنگ و تاکتیک از آن دست موضوعاتی هستند که نیروهای مختلف سیاسی در قبال آن زمین خورده اند، در بهترین حالت دچار اشتباهات فاحش تاکتیکی و سیاسی شدند و در بدترین حالت سیمای سیاسی شان زیر و رو و یا صاف و ساده نابود شدند.

انترناسیونال دوم کارگری در دوران جنگ اول جهانی صرفاً بدلیل سیاست و موضع ناسیونالیستی در قبال جنگ و دفاع از بورژوازی "خودی" نابود شد. سیاست ناسیونالیستی در قبال جنگ بعنوان پرچم دفاع از منافع بورژوازی "خودی" و فراخواندن کارگران به بسیج در جبهه های جنگ "میهنی و ملی"، سیاه چاله ای بوده که نهایتاً سیمای فکری و برنامه ای نیروهای مورد نظر را تا سرحد یک تغییر مکان اجتماعی و طبقاتی ارتقا داد. برنشتاین ها و کائوتسکی ها زمانی خود را سوسیالیست مینامیدند اما بعدتر به مدافعان بی چون و چرای حاکمیت ارتجاع بورژوازی بدل شدند. نمونه ها به وفور وجود دارند؛ بعنوان مثال مواضع بخشی از چپ ایران در قبال جنگ ایران و عراق، مواضع چپ اروپائی و شاخه های ناسیونالیسم ضد امپریالیستی در قبال بحرانهای منطقه ای و جنگها، سیاست این چپ راجع به جنگ در اوکراین نمونه مآخزتری است و اخیراً تکرار همین سیاستها راجع به جنگ اسرائیل در غزه.

آخرین مورد را خانم جودیت باتلر (Judith Butler) فیلسوف آمریکائی فمینیست و پست مدرنیست و پسا- ساختارگرا بدست داده است. وی نیروهای مرجع و تروریستی مانند حزب الله و حماس را بعنوان نیروهای "یک جنبش اجتماعی پیشرو" و "جزئی از کمپ جهانی چپ" قلمداد میکند! همانطور که حزب کارگران سوسیالیست بریتانیا (SWP) در دوره جنگ حزب الله و اسرائیل شعار "ما همه حزب الله هستیم" را سر میداد. این چپ و ایضاً چپ جهانی مورد نظر خانم باتلر تا مغز استخوان راست است، علیه آرمان کارگری و کمونیسیم و سیاست انترناسیونالیستی است، در بهترین حالت گروه فشار نیروهای رفرمیست بستر اصلی است و همواره در تقابلهای دو نیروی ارتجاعی از ارتجاع کوچک دفاع میکند.

موضع جودیت باتلر زیادی شور بنظر میرسد و مانند یک فعال جنبش اسلامی سخن میگوید. اما جوهر همین موضع را در اشکال تلطیف شده تری میتوان جستجو کرد که موضع کلاسیک تر ناسیونالیسم ضد امپریالیستی است. این دیدگاه که "حمله حماس به مردم غیر نظامی در اسرائیل واکنشی به دهه ها ستم و نسل کشی فلسطینیان است"، "حماس به هر حال جزئی از جنبش مقاومت در فلسطین است"، "در جنگ اخیر نقد حماس و محکوم کردن تروریسم حماس موضعی بنفع اسرائیل است"، "الان نوک حمله تیز باید روی اسرائیل باشد و حماس را فرعی کرد" و مواضعی از این دست همان سخنان باتلر در شکلی ملایم تر است که نهایتاً بنفع اردوی جمهوری اسلامی و حماس و حزب الله عمل میکند.

جنگ و "محور مقاومت"

جمهوری اسلامی یک پای مجادلات و بحرانهای منطقه است. دولتی که شعار نابودی اسرائیل را دارد اما از وحشت تسری جنگ فعلاً خود را به موش مردگی زده و از رفراندوم سخن میگوید. تلاش دارد از دریچه

است، حُسن نظر دارید. برعکس، اینها خود مونتلف احزاب اسلامی در کردستان هستند و برای آخوندهای کرد اتحادیه درست کردند. ایران پرستی و خودمحوری ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی در شکل کردپرستی و بی مسئولیتی در قبال "غیر کردها" در ناسیونالیسم کرد وجود دارد.

مجاهدین خلق

مجاهدین از سر ضد رژیم گری و نزدیکی به محافل اولترا راست در دولتهای آمریکا و اسرائیل، علیرغم اختلاف با سلطنت طلبان، جهت مشابهی دارد. شعار "سر مار در ایران است" که توسط مجاهدین در بوق میشود، پشت سکه شعار "نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران" است. این دو شعار امیدوار است که در فرصت جنگ جدید به ایران حمله نظامی شود. اگر جرج تاون و مونیخ و هالیفاکس و لابی های اولترا راست کاخ سفید تاکنون نتوانسته اند فرجی باشند، شاید جنگ کنونی و احتمال گسترش آن امکانی به حمله نظامی به ایران بدهد و روی دوش آن نیروهای دست راستی بتوانند بالا بیایند. شعار "سر مار در ایران است" دعوتی به حمله نظامی است که توسط سلطنت طلبان، مجاهدین، ناسیونالیسم کرد و برخی جریانات شبه چاپ تکرار میشود.

جنگ جاری و نابودی و کشتار مردم فلسطین مقابل چشم جهانیان بار دیگر چهره کریه و ضد انسانی و توحش نهفته در ناسیونالیسم را عیان تر از هر زمانی عریان کرد. برای هزارمین بار اثبات شد که ناسیونالیسم و خودمحوری ملی ربطی به بدوی ترین حقوق انسانی ندارد و هر کدام اینها بالقوه یک نتانیاها هستند که وقت خودش حاضرند همسایه را بجرم داشتن هویت کاذب ملی و مذهبی و قومی دیگری بخون بکشند و روی جنازه های آن لهله کنند. بشریت از ادیخواه و جنبش انقلابی ضروری است این تصاویر را ببیند و در کنار نسل کشی ارتش اسرائیل و تروریسم حماس و جنبش اسلامی در حافظه جمعی اش ثبت کند.

۲ نوامبر ۲۰۲۳

ناسیونالیسم عمیقاً ضد انسانی است جنگ غزه و اپوزیسیون راست ایران

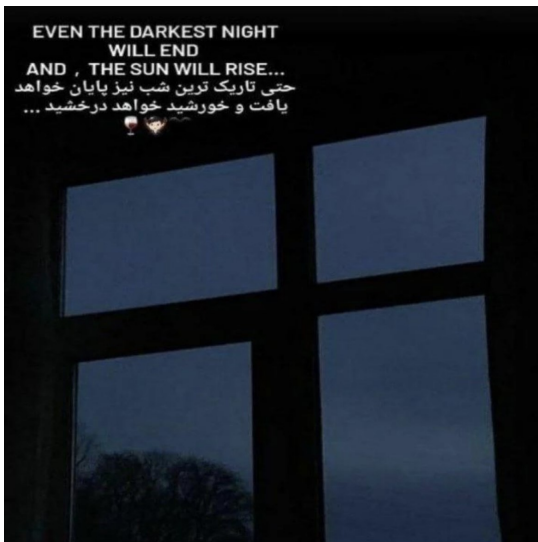
سیاوش دانشور

ایرانی از قتل عام و کشتار مردم عرب زبان مسرور است و بیشرمانه شعار "نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران" سر میدهد. این بورژوازی عقبمانده و خاک پرست است، بی عاطفه و بت پرست است، محدودبین و واپسگرا است، به اندازه خامنه ای و حماس خشکه مقدس است. این ناسیونالیسم فاشیستی را مقایسه کنید با انساندوستی و برابری طلبی مردم ایران که در برآمد انقلابی خود را بروز داد. دو دنیای متفاوت اند.

ناسیونالیسم قومی

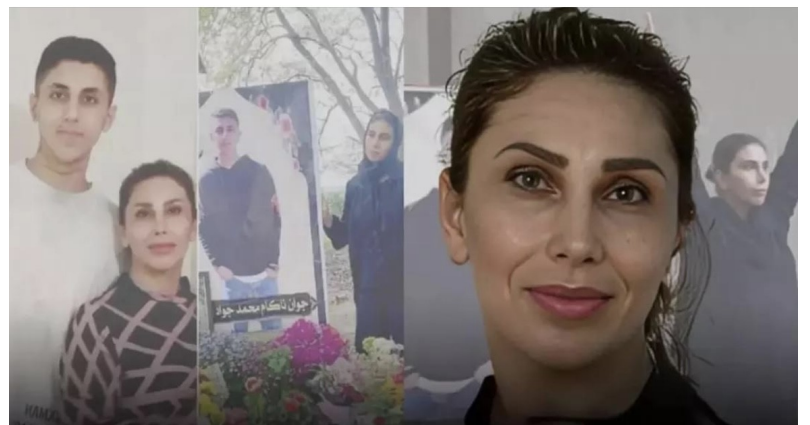
چهارچوب برخورد ناسیونالیسم قومی تفاوتی ماهوی با ناسیونالیسم ایرانی و سلطنت طلبان ندارد. ناسیونالیست های قومپرست کمتر سیاسی و از نظر فکری عقب مانده، در دنیای "کرد بودن" خود را زندانی کرده و مردم ستمدیده و تحت قتل عام فلسطین را بخود مربوط نمیدانند. انگار آنچه رخ میدهد یک ویدئو گیم است و نه انسانهای کنکرتی که سلب حقوق و حیات شدند و بیرحمانه قتل عام میشوند. ناسیونالیسم کرد چرتکه می اندازد که غزه به کورد چه مربوط است و کی آنها در کنار کورد بودند؟ این سکوت و بی تفاوتی بی دلیل نیست، از سر ضد انسانی بودن ایدئولوژی ناسیونالیسم است. سیاسی تر هایشان مانند عبدالله مهدی تمام فد در کنار دولت اسرائیل و ائتلاف دولتهای غربی قرار میگیرند. در واقع موضع آنها تابعی از موضع دولتهای غربی است. حزب دمکرات کردستان و آقایان مصطفی هجری و عبدالله مهدی در دوره جرج بوش صریحاً خواهان حمله نظامی به ایران بودند. اگر تصور میکنید موضع لاقیدی ناسیونالیسم کرد از سر ضدیت با حماس و جمهوری اسلامی

استوره آرمیتا گراوند در صفحه اینستاگرام خود
قبل از حادثه مترو



مهسا یزدانی مادر جانباخته خیزش انقلابی جواد زاهدی به دلیل دادخواهی خون فرزندش به ۱۳ سال حبس محکوم شده است. مردم بدانید که این جانیان برای حفظ بقا به چه جنایتی دست می زنند.

مرگ بر جمهوری اسلامی!



زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!



کرده است. همزمان با اولین انتفاضه که جنبشی سکولار و چپ بود و با الفتح تداومی می شد، اسرائیل برای مقابله با این جنبش و الفتح، حماس را در سال ۱۹۸۷ ایجاد کرد. هسته اولیه حماس پس از اشغال غزه توسط اسرائیل، با حمایت، تشویق و کمک های مالی اسرائیل بدست شیخ یاسین که با اخوان المسلمین بود، در سال ۱۹۷۸ تحت عنوان "جنبش مقاومت اسلامی" شکل گرفت. حماس در

پیشبرد نقشه های اسرائیل با حمایت کامل آمریکا و غرب، نقش کلیدی بازی کرده است. قطر بزرگترین حامی مالی حماس است. طبق ارقام رسمی قطر یک میلیارد و هشتصد میلیون دلار به حماس کمک کرده است. قطر در جیب آمریکا است، این حمایت مالی را چگونه باید تعبیر کرد؟ قطر علیرغم میل آمریکا به حماس پول می دهد؟ احدی در دنیا این روایت را نمی پذیرد. حماس و اسرائیل دست در دست هم مشغول پاکسازی انسانی اند. چه میزان کشتار و ویرانی با لفظ "جنگ اسرائیل با حماس" توجیه شده است؟ چگونه هر چند سال یکبار اسرائیل تحت همین نام به غزه حمله کرده است و مرگ و ویرانی بر جا گذاشته است؛ از سال ۲۰۰۸ پنج کشتار عام.

محاصره کامل اقتصادی، سیاسی، درمانی، انسانی غزه توسط اسرائیل تحت همین لفظ توجیه می شود: دو میلیون انسان در شرایطی زندگی می کنند که تاریخ نگاران یهودی نسب، که پدران و مادران شان در کانسنتریشن کمپ های نازی ها در جنگ جهانی دوم اسیر بوده اند، غزه را بزرگترین زندان سیاسی در جهان خوانده اند. محرومیت ۹۰ درصد مردم از آب آشامیدنی، تحمیل گرسنگی، ۶۰ درصد از جوانان بیکاراند، حق ورود و خروج از غزه فقط تحت شرایط ویژه ای داده می شود. بعلاوه هر دو سه سال یکبار بمباران گسترده.

اسرائیل به بهانه حماس جنگ علیه فلسطینی ها را تداوم و گسترش داده است. عملاً تمام فرارهای حاصل از مذاکرات و توافقات جهانی بر "راه حل دو دولت" را ملغی کرده است. با دو روایت دروغین "حق دفاع از خود" و مبارزه با "انتهی سمیتیسیم" نسل کشی مردم فلسطین و پاکسازی انسانی غزه را توجیه می کنند. یک سوال که رسانه های بستر اصلی طرح نمی کنند، اینست که اگر قتل عام در غزه مسبب حماس است، کشتار مردم ساحل غربی مسیبش کیست؟ طی سه ماه گذشته فقط سی کودک در ساحل غربی توسط اسرائیل به قتل رسیده اند.

۷ اکتبر آغاز پایان یک نقشه سیاه

نقشه اسرائیل از ابتدا تصرف کامل غزه و پاکسازی کامل آن از فلسطینی ها بوده است. بیست سال است که این نقشه دارد قدم به قدم به پیش می رود. حماس در پیشبرد این توطئه نقش کلیدی داشته است. ایجاد شرایط سیاسی که دست الفتح از غزه کوتاه شود، حماس به دولت غزه در یک انتخابات با نظارت سازمان های بین المللی انتخاب شود و یکسال بعد به بهانه تروریسم حماس محاصره کامل و همه جانبه غزه آغاز گردد. ابتدا غزه را به یک زندان سیاسی بدل می کند، دو میلیون انسان در مساحت ۴۰ کیلومتر در ۸ کیلومتر اسیر شده اند و از حق خروج محروم اند. سپس هر دو سه سال یکبار خروارها بمب بر سرشان می ریزد.

این بار بنظر می رسد که اسرائیل وارد پرده آخر این نقشه پلید شده است. تخریب کامل شمال غزه، فرمان به تخلیه کامل، ورود تانک ها در غزه. نقشه اسرائیل بیرون ریختن تمام شهروندهای غزه به ساحل سینا و ایجاد یک کمپ پناهندگی در آنجاست. (طبق گزارش ویکیلیکس، وزارت اطلاعات اسرائیل یک هفته پس از آغاز کشتار یک سند مخفی صادر کرده که نقشه ایجاد کمپ پناهندگی در ساحل سینا و مراحل آنرا توضیح می دهد.) از اینرو است که برخی این فاجعه اخیر را نکتبه دوم خوانده اند. و در این کشتار اسرائیل حمایت کامل آمریکا و ناتو را با خود دارد.

نقش و هدف ناتو

جنگ اسرائیل با حماس یا نسل کشی در فلسطین؟

نکتبه دوم یا آغاز پایان پرده آخر!

آذر ماجدی

نزدیک به چهار هفته است که اسرائیل عملیات پاکسازی انسانی غزه را آغاز کرده است. تعداد کشته شدگان بین ۸ تا ده هزار نفر تخمین زده می شود که نزدیک به نیمی از آنها کودک اند. یک نسل کشی مسلم. بااستناد سازمان جهانی بهداشت طی سه هفته ارتش اسرائیل ۱۹ بیمارستان را بمباران کرده است.

طبقه حاکمه غرب این نسل کشی را جنگ حماس و اسرائیل می نامد. رسانه های بستر اصلی مداوما از جنگ اسرائیل و حماس حرف می زنند. این صدا چنان گوش کر کن می شود که بسیاری حتی در میان چپ آنرا تکرار می کنند! این نامگذاری اولین تلاش برای ارائه یک روایت دروغین از این کشتار است؛ تا قبح جنایت را بکاهد، تلاشی برای توجیه و عادی سازی. این جنگ اسرائیل با حماس نیست. این نسل کشی مردم غزه بدست اسرائیل است.

جنگ معمولا دو طرف فعال در عمل جنگیدن دارد. اگر فقط یک طرف "می جنگد"، دیگر آن جنگ نیست؛ سرکوب عربان و یا کشتار است. به جنگ چند هفته ای غزه نگاه کنید؛ ما صورت مساله تاکنونی را فعلا می پذیریم: حماس از غزه بیرون آمده و تعدادی اسرائیلی را گروگان گرفته است. و اسرائیل ادعا کرده که حماس تعدادی از گروگان ها را به قتل رسانده است؛ بعد اسرائیل بمباران غزه را آغاز کرده و سه هفته بعد هنوز ادامه می دهد. طبق این روایت حتی اگر بمباران روز اول و دوم را در چهارچوب جنگ قرار دهیم، بمباران بیست روز دیگر را فقط کشتار باید نامید.

اما مساله اینجاست که گزارش هایی که توسط رسانه های بستر اصلی سانسور شده و در سوشیال میدیا قابل دسترس است، با فاکت نشان می دهد که ارتش اسرائیل هوایی و با تانک به محل نگهداری گروگان ها حمله کرده و تعداد زیادی از گروگان ها را به قتل رسانده است. در میان این گزارشات مصاحبه رادیو اسرائیل با یک زن جوان گروگان که از حمله ارتش اسرائیل گزارش می کند، شوک آور است. این مصاحبه سریعاً از سایت رادیو حذف شد ولی در سوشیال میدیا قابل دسترس است. همچنین فیلم کوتاهی از یک خانم سالمند که هنگام آزادی، بر می گردد تا با گروگان گیر دست دهد. او از این صحبت کرده که رفتار گروگان گیر ها بسیار خوب بوده، به جراحت گروگان ها رسیدگی کرده اند، غذای هر دو طرف هم یکی بوده است. سی ان ان بغیر از چند ثانیه بقیه را سانسور کرده است. فاکت ها بر این دلالت دارد که تعداد زیادی از گروگان های توسط ارتش اسرائیل کشته شده اند.

آنچه جنگ حماس و اسرائیل خوانده می شود در بهترین حالت کشتار هزاران نفر، هزاران کودک، ویرانی کامل، پاکسازی انسانی غزه در پاسخ به یک عملیات تروریستی گروگان گیری بوده است. رسانه های بستر اصلی و سیاستمداران دولت های غرب و ناتو تمام این کشتار و پاکسازی را به حساب "حق اسرائیل در دفاع از خود" توجیه می کنند.

اسرائیل و حماس، دشمنی آشکار، دوستی پنهان!

این یک واقعیت آشکار است که حماس دست ساز اسرائیل است. سیاستمداران بالای اسرائیل و آمریکا در موقعیت های مختلف به آن اعتراف کرده اند و یاسر عرفات در مصاحبه با یک روزنامه ایتالیایی می گوید که حماس ساخته اسرائیل است و اسحاق رابین به او اعتراف



کوشید هر نوع مدنی را از این منطقه پاک کند؛ این سیاست طی بیست سال اخیر با جدیت و شدت ادامه داشته است. نکتۀ دوم یک مرحله کلیدی است.

از آغاز جنگ اوکراین، ناتو دائماً بر طبل جنگ افروزی دمیده است؛ با هر نوع تلاش برای آتش بس مقابله کرده است؛ سلاح های با اورانیوم رقیق شده در اختیار اوکراین گذاشته است؛ مدام جنگ را دامن زده است. از آنسوی با چین وارد یک جنگ سرد در حال انفجار شده است. دنیا عملاً دارد وارد یک دو قطبی جدید با همان گفتار قدیمی کولونیالیسم و آنتی کولونیالیسم می شود. برخی از سیاستمداران در هیات حاکمه از خطر جنگ جهانی سوم هشدار می دهند.

شیوه برخورد دولت های غربی به حمله اسرائیل به غزه در چند هفته اخیر یک میل آشکار به تعمیق و تداوم این کشتار را نشان می دهد. سفر بلافاصله بایدن، سپس نخست وزیر بریتانیا و بعد ماکرون رئیس جمهور فرانسه برای در آغوش کشیدن نتانیاو و اعلام حمایت صد در صد از جنگ و سپس رای منفی دادن به قطعنامه آتش بس در سازمان ملل و ممنوعیت تظاهرات در حمایت از مردم فلسطین تحت نام "حمایت از حماس" همه بر یک نکته دلالت دارد: این جنگ و ویرانی در خدمت اهداف سیاسی بزرگتر ناتو قرار دارد.

رشد فاشیسم در غرب، سرکوب آزادی های فردی و مدنی، تحمیل سانسور، همه بر تحولات بسیار اساسی در ساختار جامعه غرب دلالت دارد. خطر یک جنگ جهانی دیگر محتمل است. تلاش برای عقب نشاندن این ارتجاع سیاه نیز امکانپذیر است. تظاهرات های گسترده در سراسر جهان به پشتیبانی از مردم فلسطین و در محکومیت نسل کشی اسرائیل قلب های بشریت را گرما بخشید. علیرغم ممنوعیت تظاهرات در برخی کشورهای اروپایی هزاران نفر به خیابان ها آمدند. حمایت از مردم فلسطین و علیه این نسل کشی هر روز وسیعتر و گرمتر می شود. این آتش را باید زنده نگاه داشت.

تجمع دانشجویی ۱۶ اسفندماه سال ۱۴۰۱ دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی در اعتراض به مسمومیت های سریالی مدارس دخترانه تشکیل و در تاریخ ۱۹ تیرماه سال جاری، در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب، مورد رسیدگی قرار گرفت.

موج اخراج و تعلیق فعالین دانشجویی در ابتدای سال جدید تحصیلی
با فشارهای حراست دانشگاه، حامد سیف، فعال دانشجویی و دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی، از تحصیل محروم شد. وی در جریان جنبش مردمی زن زندگی آزادی نیز بازداشت شده بود.

جنگ اسرائیل با حماس یا نسل کشی در فلسطین؟

نکتۀ دوم یا آغاز پایان پرده آخر!

آذر ماجدی

سوالی که طرح می شود: آیا دولت های غربی، عملاً ناتو، صرفاً از روی راسیسم ضد عرب یا ضد مسلمان این چنین محکم از اسرائیل دفاع و حمایت می کنند؟ یا هدف سیاسی - اقتصادی بزرگتری در محاسبه دخیل است؟

اسرائیل توسط غرب، بریتانیا، دنیا آمد و در تمام طول حیاتش با حمایت کامل بریتانیا و آمریکا و دولت های غربی سرپا ایستاده و کشورگشایی و نسل کشی کرده است. بدون کمک های مالی آمریکا اسرائیل یک روز نمی تواند هزینه این کشتار و ویرانی را تامین کند. اسرائیل یک نقطه کلیدی در سیاست های دولت های غربی برای کنترل منطقه و حفظ نظم ژئوپلیتیکی مورد نظرشان است. ۷۵ سال است که مساله فلسطین به یک بحران منطقه ای بدل شده و یک شرایط جنگ زده را به منطقه تحمیل کرده است. غرب، ناتو طالب چنین شرایطی است. این مناسب ترین شرایط برای تامین منافع اقتصادی و حاکمیت بر جهان است. سیاست های بیست سال اخیر آمریکا و ناتو در منطقه، افغانستان، عراق، سوریه، لیبی، یمن، تشکیل سازمان های مختلف تروریست اسلامی گواهی بر مطلوبیت این سناریو برای غرب است. آمریکا در راس دولت های غربی ابتدا تروریسم اسلامی را به جان مردم منطقه انداخت و سپس به بهانه حذف تروریسم اسلامی تن ها بمب بر سر مردم ریخت،



تجمع تانک های اسرائیلی در مرز با نوار غزه

ستون اخبار کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

محکوم شدند. این دو دانشجوی دانشگاه علامه که پیش تر در دادگاه بدوی و شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به یک سال زندان محکوم شده بودند، در شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر نیز محکومیتشان مورد تأیید قرار گرفته است. این در حالی است که هنوز از شناسایی و مجازات عاملان و مسببان مسمومیت های سریالی مدارس دخترانه اطلاعی در دست نیست. پرونده مذکور، پس از اعتراض و شرکت این دو دانشجو در



مرتکب نشده است. سالهاست مردم کردنشین در ترکیه به دلیل حق خواهی و رفتار فاشیستی دولت با مردم در این مناطق در معرض اذیت و آزار دستگیری و زندان قرار دارند. سالهاست دولت فاشیست ترکیه در شمال سوریه مرتکب جنایت می شود، مردم بیدفاع را بمباران و کشته و کوچ اجباری داده می شوند و هزاران نفر از مخالفین سیاسی در زندانهای مخوف دولت اردغان محبوس هستند.

قرار است بلینکن وزیر خارجه امریکا که دولت متبوع او که به جنایات دولت ترکیه در شمال سوریه تا کنون چشم بسته اند، به ترکیه سفر کند. دولت امریکا از موضع اردوغان در رابطه با جنگ در غزه خشنود نیستند به دلیل اینکه جانب حماس را گرفته اند. آیا معامله ای صورت می گیرد که تغییر موضع دولت اردوغان در قبال جنگ غزه به نفع اسرائیل یا بی طرفی آنان نسبت به این جنگ، در مقابل امریکا چشم به جنایت دولت ترکیه در شمال سوریه ببندد و دست ترکیه را برای جنایت بیشتر در شمال سوریه باز بگذارد.

از هر سو نگاه می کنید، دنیا از دست فتنه و فساد و ویرانی و کشتار و اختناق و جنگهای دست ساز و نیابتی دولتهای سرمایه داری و فاشیست و مذهبی در چهار گوشه دنیا به تنگ آمده اند، مردم از حاکمیت دولتهای امریالیستی و سرمایه داری و اسلام سیاسی در ایران و ترکیه و اسرائیل و افغانستان و روسیه و... جز فقر و فلاکت و جنگ و آوارگی هیچ چیز نسبشان نشده است. این دنیا بر روی قاعده غلط نشسته است. جنبش آزادیخواهی و سوسیالیستی تنها راه نجات بشریت از این منجلاب است.

حملات هوایی دولت فاشیست ترکیه به شمال سوریه و کشتار مردم بیدفاع

سعید یگانه

ارتش فاشیست ترکیه در روزهای گذشته به بهانه حمله انتحاری اول اکتبر در مقابل اداره امنیت داخلی این کشور در آنکارا که "پ ک ک" مسئولیت آن را عهده گرفت، بمباران شدیدی را علیه مردم بیدفاع و مواضع نیروهای مسلح کرد در شمال سوریه آغاز کرد که تا کنون دهها نفر از مردم از جمله کودکان بی گناه جان خود را از دست داده اند. دولت ترکیه مدعی است که به تلافی حمله انتحاری اول اکتبر دست به حمله هوایی در شمال سوریه زده است. اگر این ادعا را از آنان قبول کنیم، جنایت چند ساله اخیر، حملات زمینی و هوایی مدام دولت فاشیست ترکیه و اشغال مناطقی از شمال سوریه به بهانه جنگ با تروریسم، کشتار و جنایات و آواره کردن هزاران نفر از مردم عفرین و سایر نقاط در شمال سوریه را چگونه توجیه می کنند.

اردوغان رئیس جمهوری دولت فاشیست ترکیه که به جنایت دولت اسرائیل در غزه اعتراض دارد، خود در کشتار مردم بیدفاع شمال سوریه ابایی ندارد و کمتر از دولت فاشیست اسرائیل در سوریه جنایت مرتکب نشده است. از آغاز جنگ در غزه که دنیا را به خود مشغول کرده و بر زندگی مردم در جهان سایه انداخته است، دولت فاشیست اردغان فرصت را غنیمت شمرده و به بمباران مناطق شمال سوریه ادامه می دهد و جنایت می کند و در سکوت رسانه ای به حاشیه می رود.

دولت فاشیست ترکیه اگر بیشتر نه، کمتر از دولت نژاد پرست اسرائیل و جنایت علیه مردم فلسطین، در حق مردم کردستان ترکیه و سوریه جنایت



بشر شما شده اند رو بوده است.

سازمان ملل و مثنی جیره خوارش که در آنجا نشسته اند چشمشان را برنسل کشی و کودک کشی در غزه، ایران و افغانستان بسته اند. کدام حقوق بشر؟ حقوق بشر برای کی؟ برای خودتان؟ برای مثنی جنایتکار انسان کش که بعد از قتل و عام در غزه و یمن و به گرسنگی کشاندن میلیون ها کودک در دنیا دم از حقوق بشر

میزنند؟ شما همگی سوپاپ های اطمینان نظم سرمایه و نوکران سرمایه دارانی هستید که امروز برای سود بیشتر جهان را به خون کشیده اند. نگاه کنید ایران را، فلسطین را، افغانستان، جاده های مکزیکی را که به امریکا منتهی می شوند، نگاه کنید. همه جا قربانیان شما حقوق بشریها روی زمین در خون خودمی غلظند و امروز و قبحانه چکش ریاست را به دست نماینده یکی از جنایتکارترین رژیم ها دنیا داده اید و در استراحت کافه خوری حتما از ریاستش هم تعریف خواهید کرد.

آقایان، خانمهای سازمان ملل و بشر دوست! لطفا نگاه کنید. این ریاست نیست. چکش ریاست شما همان اسلحه ای است که بر روی زنان شجاع و ضد آپارتاید جنسی در ایران نشانه رفته است. یادتان باشد، هر قطره خونی که با این چکش به دست جمهوری اسلامی ریخته میشود فطرات آن را روی لباس شما هم نقش خواهد بست.

یقه های سفیدتان را نگاه کنید. عرق شرم نیست که بر تنتان نشسته است. خون کودکان فلسطینی و جوانان ایرانی است.

لطفا دقت کنید، روی یقه های سفیدتان خون کودکان غزه و انقلابیون ایران دیده میشود!

پروین کابلی

امروز دوم نوامبر ۲۰۲۳ پانزدهمین نشست مجمع اجتماعی شورای حقوق بشر سازمان ملل برگزار گردید. چکش آغاز این دوره را علی بحرینی نماینده دولت جنایتکار ایران روی میز کوبید. ایشان ریاست این نشست را بعهده دارد.

این دیگر طنز تلخ تاریخ نیست که به نمایش در می آید. این نشان از همدستی تمام سازمان ها و دولتهایی است که در این نشست رسماً به رژیم جمهوری اسلامی ایران رای دادند و نماینده ی آنرا در مسند ریاست شورای حقوق بشر زنان به صندلی ریاست هدایت کردند. اگر این همدستی و همکاری با یکی از جنایتکارترین حکومت های دنیا نیست چیست؟ هنوز خون ریخته شده آرمینا گراوند در متروی تهران خشک نشده است، هنوز قربانیان خیزش ۱۴۰۱ فراموش نشده اند و این روزها بسیاری از خانواده های داغ دیده یکی بعد از دیگری سالگرد جوانان به خون غلطیده خود را برگزار میکنند و هنوز عده ای اصلاً نمی دانند بر سر عزیزانشان چه آمده است. ماشاله کرمی بخاطر بازدید مزار فرزندان اعدامیش محمد مهدی کرمی و محمد حسینی در زندان است و کسی نمی داند اصلاً کجا برده شده است. هنوز از همه جای ایران خون و اشک میچکد و با همه ی اینها هنوز خطر شعله ور شدن دوباره ی اعتراض خواب را از چشم جانیانی که امروز مجری حقوق

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

آرمیتا گراوند

انکار زن در زندگی و مرگ

سیاوش دانشور

آرمیتا به روایتی روز هاست که جانباخته است. آرمیتا توسط یک فاشیست ضد زن، یک ولگرد اسلامی حجاب بان، یک آینه سادات به قتل رسید. برای مردم منجر از جمهوری اسلامی آرمیتا یک نماد است؛ یک جوان شورشی و آزادیخواه که تبعیض را قبول نمیکند، برابری میخواهد و برای آن می جنگد. او از نسلی است که خشن ترین دستگاه سرکوب و وحشی ترین قاتلین سریال را به مصاف طلبید و در این راه از جان عزیزش که مملو از شور زندگی بود مایه گذاشت.

آرمیتاها اما برای حکومت اسلامی فاقد ارزش اند. طبق نگاه شرع شنیع اسلام، هر رفتاری با زن مجاز است؛ میتوان تحقیر و بی حرمتش کرد، بازداشت و شکنجه اش کرد، به وی تجاوز کرد، بسادگی و در آرامش کامل به قتلش رساند و خانواده اش را وادار کرد که بگوید: "سرش گنج رفته و فشارش افتاده!" آرمیتاها اما دقیقاً بدلیل استقلال فردی و توقع بالا و شخصیت قوی شان، بدلیل تمسخر ضد ارزشهای اسلامی و نگاه غیرمذهبی شان، برای رژیم "خطرناک" محسوب میشوند. موجودیت زن و حقوق زن و آزادی زن با اسلام و اصول و فروعش غیرقابل جمع اند. وجود یکی نفی دیگری است. برای همین است که آزادی زن بدون دفن آپارتاید اسلامی و ضد زن ممکن نیست.

همان قانونی که زن را در زندگی بی هویت و از هر حق بدوی ساقط میکند، در مرگ و پرده پایان نیز حکم میراند. در شرایطی که دنیا دارد در مورد آرمیتا حرف میزند؛ در آگهی مراسم بزرگداشت وی، هیچ نشانی از #زن وجود ندارد. اسم بدون عکس خود آرمیتا هم از جنبه خبری اجباراً آمده است. آرمیتا، قهرمان داستان یک اعمال خشونت تراژیک و جنائی که روی خط داغ خبر است، در مراسمی که بنام وی برپا شده مطلقاً موجودیت و هویتی ندارد؛ درست مانند زندگی اش. در اینجا آرمیتا جزو املاک و متعلقات افراد ذکور خانواده است؛ دختر فلانی، دختر عمومی بهمانی، دختر دائی و خواهر آن یکی. نه تنها خودش موجودیت ندارد بلکه خواهر و مادر و نسبت های زنانه تماماً از صحنه روزگار تلخ این خانواده حذف شدند. زن کلهم در بخش "خارج محدوده" طبقه بندی شده حتی در مراسم تدفین و تشییع خودش. طبعاً جرم حکومت با تداوم سایه کثیف فرهنگ حکومت در مراسم آرمیتا میان خانواده اش در یک سطح نیستند. اولی باید بجرم جنایت حساب پس دهد و دومی باید خود را از این جهاز فکری گنبدیده و آغشته بخون ضد زن بتکاند.

آرمیتا در زمره نسل جدید و جوانانی بود که سودای آزادی در سر دارند و در برآمد انقلابی شهرپور علیه حجاب اسلامی و حاکمیت ضد زن و سلطه ننگین تبعیض و نابرابری اسلام پیاخاستند. این جنگی برسر اعاده هویت و آزادی زن از اسارت بردگی و آپارتاید اسلامی بود و هست. این جنگی برسر اثبات فردیت و موجودیت اجتماعی زن در مقابل اصل انکار فردی و اجتماعی زن بوده و هست. دوره انکار زن خیلی وقت است بسر رسیده است، فاشیست های اسلامی بیهوده زور میزنند. آنچه در پس این نبرد نه انکار بلکه نابود و دفن میشود، حکومت و قوانینی است که جوهرش را بر انکار انسانیت و حقوق فردی و اجتماعی انسانها بنا نهاده است. قوانینی که اگرچه تاریخی کهن دارد و لایه های لجن ارتجاع تاریخ را شامل میشود اما در دوره سرمایه داری قرن بیست و یکم، با تقسیمات کاذب و اعمال تبعیض و نابرابری، از شکافهای تصنعی بهره برداری و برای مطیع نگاهداشتن جمیع آنها تلاش میکند.

فردا یکشنبه در مراسم گرامیداشت آرمیتا وسیعاً شرکت کنید. به قاتلین

آرمیتا پیام دهید که از جنایت شان نخواهیم گذشت و باید تاوان پس بدهند.

۶ آبان ۱۴۰۲

بدرود آرمیتای عزیز

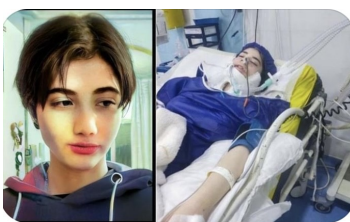
امروز یکشنبه ۷ آبان، میان تدابیر شدید امنیتی و حضور سنگین نیروهای سرکوبگر، پیکر #آرمیتا گراوند در بهشت زهراي تهران به خاک سپرده شد.



ما همراه مردم آزادیخواه ایران و جهان، با خانواده و نزدیکان آرمیتا اعلام همدردی و همبستگی میکنیم. آرمیتا یکی از زنان و جوانان آزاده و انقلابی بود که حرف مشترک همه ما را میزند؛ نفی حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی، نفی نابرابری و تبعیض، نفی فقر و فاقه و سرکوب و اختناق. #آرمیتا، #نیکا، #سارینا، #مهسا و صدها نام دیگر سمبل های یک مبارزه اجتماعی و انقلابی اند. ما قاتلین را میشناسیم، ما بدون تردید همه آنها را بجرم قتل و شکنجه و جنایت دادگاهی و مجازات خواهیم کرد. ما برسر پیمان با یاران تا به آخر ایستاده ایم.

جمهوری اسلامی در چند روز اخیر و در متن توجه جهانی به کشتار جمعی مردم بی دفاع در #غزه توسط #تتانیاهو، در همه سطوح اعلام قتل #آرمیتا را مدیریت کرد. از انتشار گزارشهایی برای سونداژ تا کنترل امنیتی همه جانبه تمام روابط، از ممنوعیت هر نوع تهیه و انتشار گزارش روزنامه ها تا حضور سنگین نیروی امنیتی و چرخاندن پهباد و کوادکوپتر؛ از اجتماع گسترده اعتراضی ممانعت کرد. با اینحال بیش از هزار نفر در ابتدای مراسم بدرقه آرمیتا تجمع کردند. صدای شعار و فریاد دیشب در محلات مختلف تهران و کرج و جاهای دیگر بلند بود. شعارنویسی و گرافیک دیواری و اعلام همدردی از هر گوشه ایران، پاسخ مردم در این وضعیت مشخص به تمهیدات امنیتی حکومت و قتل آرمیتا بود. همه جا از قاتل نام بردند و همه جا وعده مرگ #حکومت_بچه_کش و ضد زن را دادند.

خوش ذوقی با انتشار عکسی از مزار آرمیتا نوشته بود؛ "واگن متروبی که کشتنت دوربین نداشت. ولی بالای مزارت رو پر از دوربین کردن. بخاطر نداشتن حجاب کشتنت. ولی عکس محجبهت رو گذاشتن سر مزارت. چقدر تو مظلومی دختر!..."



این دقیقاً بیان آن وارونگی در کلیت جامعه و رابطه مردم با رژیم، قلمروهای کشمکش و دامنه نبردها است. تنها باید گفت آرمیتا مظلوم نیست، او شورشی است، انقلابی است، در این نظم قرار است خود صورت مسئله پاک شود؛ مسئله زن وجود ندارد، اصلاً زن وجود ندارد، اختناق و فقر و فساد وجود ندارد، آنچه وجود دارد همانست که خامنه ای میگوید، حقیقت همان است که رژیم اسلامی میگوید!

اما دهها میلیون مشت گره کرده و "نه" عظیم جامعه به این تمهیدات رژیم مَهر بطلان زده است. ما در کمین تان نشسته ایم. امروز را از سر گذراندی، فرداها را چه میکنی؟ حرف ما اینست: رژیم اسلامی و شخص خامنه ای مسئول قتل آرمیتا و هزاران همسنگر آرمیتاها است. برای اینها تاوان خواهید داد، قاتلین شاید بتوانند با سوءاستفاده از موقعیت ها چند صباحی به عمر ننگین شان اضافه کنند، اما از عدالت انقلابی نخواهند جست! نوبت ما هم میرسد!

۷ آبان ۱۴۰۲

#آرمیتا گراوند

#نیکا_شاکرمی

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!



کسی که به ذره ای از حقیقت پایبند باشد و ریاکار نباشد می داند که بعد از چندین دهه تحمیل ظلم و ستم و اوارگی بر مردم فلسطین که ناشی از سیاست راسیستی و اشغالگرانه دولت دست راستی اسرائیل است، نه جریان تروریستی حماس که محصول این سیاست است و نه دولت اسرائیل، نه تنها ربطی به مردم اسرائیل و فلسطین و راه حل عادلانه مسئله فلسطین ندارند، بلکه هر دو طرف این جنگ برای ادامه بقا به این جنگ و دشمنی

نیاز دارند و جمهوری اسلامی نیز با حمایت از حماس و سایر جریانات توریستی و محور مقاومتی در منطقه از جمله حزب الله از این جنگ به نفع قدر قدرتی خود در منطقه و معامله با غرب بهره برداری می کند. در این تردیدی نیست که حماس یک جریان تروریستی و جنایتکار است که همچون جمهوری اسلامی با مردم تحت سلطه و گرفتار در چنگالشان رفتار می کنند. جریان حماس ربطی به درد و رنج مردم فلسطین ندارند. حماس خود از بدو پیدایش عامل تشدید جهنمی است که همراه دولت اسرائیل برای مردم فلسطین ساخته اند و از آن تغذیه می شود. گذاشتن جنایت حماس به گردن مردم فلسطین از جانب هر جریان و فرد و دولتی و کشتار مردم بی دفاع توسط اسرائیل به این بهانه، همدست جنایت دولت اسرائیل در غزه محسوب می شوند. ناسیونالیستهای عظمت طلب ایرانی که در این جنگ خانمانسور جاتب اسرائیل را گرفته اند از این قماشند.

در این بزنگاه است که افکار عمومی و بخصوص مردم ایران که برای زندگی عاری از ظلم و ستم و برای کوتاه کردن دست جمهوری اسلامی از زندگیشان تلاش و مبارزه می کنند، دوست و دشمن خود را بشناسند. باید ظرفیت فاشیستی و ضد انسانی ناسیونالیستهای عظمت طلب ایرانی را شناخت. این طیف هیچ پرنسیب انسانی ندارند. یکی از شعارهای این طیف "نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران" است. از مردم عرب زبان نفرت دارند و از کشتار مردم غزه خوشحال و سرمستند. وطن پرستند "یک وجب خاک پاک میهن" را بر همه چیز ترجیح می دهند. اینها ایران را بدون حاکمیت "آخوند" می خواهند. نه با ارتش و نه با سپاه جنایتکار اسلامی مشکلی ندارند. اینها قابل اعتماد نیستند. درست است که در حال حاضر کاره ای نیستند و اعتباری ندارند، اما نباید اجازه داد پروبال بگیرند. در خارج کشور در طول خیزش انقلابی شاهد بودیم که در برخورد به مخالفین سیاسی خود چه اقتضای به بار آوردند و تردیدی نیست که اگر قدرت باشند هیچ مخالفی را تحمل نمی کنند.

هدف دولت دست راستی اسرائیل در این جنگ و حملات هوایی و زمینی به غزه به بهانه نابودی حماس، کشتار و پاکسازی نژادی و اشغال غزه و آواره کردن بقیه مردمی است که در این هلوکاست جان سالم به در می برند. هر کسی و هر جریانی به هر دلیلی از جمله سلطنت طلبان و ناسیونالیستهای عظمت طلب ایرانی از این جنگ و جنایت دفاع کنند همدست این جنایتکاران هستند و باید افشا و منزوی شوند.



جنگ در غزه و موضع ناسیونالیستهای عظمت طلب ایرانی

سعید یگانه

از آغاز جنگ و کشتار سعبانه مردم فلسطین توسط دولت نژاد پرست و اشغالگر اسرائیل به بهانه حمله تروریستی حماس، شاهد حمایت و خوشحالی ناسیونالیست، فاشیستهای ایرانی از کشتار مردم فلسطین توسط دولت اسرائیل هستیم. در شرایطی که بشریت آزادیخواه در سراسر جهان حتی در اسرائیل و آمریکا علیه این جنگ و در اعتراض به کشتار و نابودی مردم غزه توسط دولت نژاد پرست اسرائیل، به خیابانها آمده و دست به اعتراض می زنند، جریانات ناسیونالیست و فاشیست ایرانی از حمله دولت جنایتکار اسرائیل به غزه، نسل کشی و کشتار مردم که عموماً کودکان هستند خوشحالند و مخالفین این تفکر فاشیستی را به باد ناسزا می گیرند. تا این حد که اخبار مربوط به جنایت اسرائیل در غزه را در حمایت از اسرائیل تحریف می کنند.

تنها فاشیستها و ناسیونالیستهای عظمت طلب ایرانی هستند که در کنار دولت آمریکا و کشورهای اروپایی از جنایات اسرائیل در غزه و کشتار فقط نزدیک به ۴ هزار کودک بی دفاع با عبارت "حق دفاع از خود" حمایت و توجیه می کنند. این موضع فاشیستی و غیر انسانی را باید به پای چه چیزی نوشت؟ فقط ضدیت با جمهوری اسلامی؟ آنهم از نوع ناسیونالیستهای ایرانی، و به قیمت کشتار بیش از ۸ هزار نفر و ۴۰ هزار زخمی و هزاران آواره. در این شکی نیست که جریان تروریستی حماس را جمهوری اسلامی تغذیه می کند و چه بسا در حمله حماس به اسرائیل نقش داشته است، اما عملیات تروریستی حماس و کشتن مردم بی دفاع اسرائیل را به پای مردم فلسطین نوشتن نه تنها احمقانه و ریاکارانه است که نیاز ناسیونالیستهای ایرانی در این دوره در فشار آوردن آمریکا و کشورهای اروپایی و با آرزوی آغاز جنگ با ایران است که به این مواضع فاشیستی و ضد انسانی روی آورده اند.

سلطنت طلبان در راس آن رضا پهلوی، و ناسیونالیستهای ایرانی که جملگی و همیشه به دخالت آمریکا در اوضاع ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی مورد نظرشان از بالای سر مردم دخیل بسته اند و در هر دوره سازش و کوتاه آمدن دولتهای آمریکا و غرب در مقابل جمهوری اسلامی، با سر به زمین خورده و نا امید شده اند. آغاز این جنگ، حمله تروریستی حماس به اسرائیل بهانه ای شد که دولت اسرائیل با حمایت بی دریغ غرب در راس آن آمریکا با تمام امکانات نظامی به غزه حمله کند، نسل کشی راه بیندازد، و فرجه ای دوباره به دست دهد که ناسیونالیستهای عظمت طلب ایرانی از آن استقبال کنند و سرمست از آغاز این جنگ اهداف ضد انسانی خود را پیش ببرند.



نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی!



۲۴ سال است چپ شیفته دمکراسی و مقهور ایدئولوژی سرمایه داری، یک جمله؛ "به لحاظ سیاسی، اسرائیل مدرن تر، دمکراتیکتر و غربی شدتتر است" را خارج کانتکست تکرار میکند، دروغ میگوید، بیشرمانه و کیهان وار اتهام وابستگی به اسرائیل میزند و یا بسته به وضع و حال روز مزه پراکنی میکند. مشکل این چپ و کینه شتری از منصور حکمت دو چیز است:

در باره چپ مقهور دمکراسی و یک جمله

منصور حکمت

سیاوش دانشور

منصور حکمت در ژانویه ۱۹۹۹ در لندن مصاحبه ای به زبان انگلیسی با صفا حائری از ایران پرس سرویس انجام داد که متن فارسی آن در سایت وی منتشر شده است. لینک: [Mansoor Hekmat - Public Archive \(public-archive.net\)](http://Mansoor Hekmat - Public Archive (public-archive.net))

این مصاحبه راجع به کمونیسم، برنامه و سیاستهای حزب، مسائل ایران و منطقه است. دو سوال پایانی مصاحبه راجع به کشورهای منطقه و دولت اسرائیل است. ابتدا این دو سوال و جواب را بطور کامل و دقیق بخوانید:

"... صفا حائری: در مورد جهان صحبت کنیم و از مناطق خودمان در خاورمیانه شروع کنیم. بنظر شما روابط با کشورهای این مناطق، از جمله اسرائیل، چگونه باید باشد؟

منصور حکمت: من نظر شخصی خودم را میگویم که ممکن است نظر سازمانی نباشد. کشورهای عربی را در نظر بگیریم. بیشتر آنها اگرچه نه همهشان، فاسد، دیکتاتور، غاصب، غیردمکراتیک و مرتجع هستند. مشکل اساسی ما با اسرائیل این است که کشور بر اساس مذهب بنا شده است و این علیه سیاست ما در امر برابری همه مردم دنیا صرف نظر از مذهب، جنسیت، قومیت، نژاد و غیره است. چیزی که امروز در مورد اسرائیل صادق نیست. از سوی دیگر ما همچنین اسرائیل را به مثابه ملتی که در اینجا به دنیا آمده است در نظر میگیریم. به لحاظ سیاسی، اسرائیل مدرن تر، دمکراتیکتر و غربی شدهتر است. اگر زندانهای مخصوصی دارد، ولی امکان اعتراض و انتقاد هم در آنجا هست. چیزی که فکر نمیکنم در زندانهای ملک حسین و ملک فهد امکان داشته باشد.

ما همچنین به سیاست اسرائیل در قبال اعراب و ساکنین اولیه این کشور، که از همه حقوق خود در مورد سرزمینشان و زندگی در کشوری که در آن متولد شدهاند محروم شدهاند، معترضیم. این به نظر ما غیردمکراتیک، غیربشری و غیرمتمدانه است. اما این خود موضوع بحث دیگری است که شاید موضوع اصلی سؤال شما نباشد.

صفا حائری: حق با شماست. سؤال من این است؛ آیا ایران باید روابط دیپلماتیک با اسرائیل داشته باشد یا نه؟

منصور حکمت: اگر ما در قدرت باشیم، دولت اسرائیل را به رسمیت میشناسیم. ما همچنین پروسه صلح را حمایت میکنیم. ما فعالیتهای سازمانهایی نظیر جهاد اسلامی و حماس را، نه به خاطر اسرائیل بلکه به خاطر اصول خودمان، محکوم میکنیم. ما اما مخلصانه و تماما از حق مردم فلسطین برای احقاق حقوق برحقشان دفاع میکنیم.

در عین حال نباید از پاپ کاتولیک تر بود. اگر فلسطینیها تصمیم گرفتهاند با اسرائیل مذاکره کنند، ما چه کسی هستیم که به آنها بگویم صحبت نکنند. بنظر من تا زمانی که معضل اسرائیل- فلسطین حل نشود، منطقه از تمدن و صلح محروم میماند. تنها یک صلح واقعی میتواند به مردم این منطقه در خلاصی از اسلام و رژیمهای ارتجاعی و فاسدی مثل عربستان سعودی کمک کند. البته نباید نقش آمریکا را در حفظ رژیمهایی چون عربستان سعودی و افغانستان دستکم گرفت". (پایان گفتگو ایران پرس نیوز با منصور حکمت).

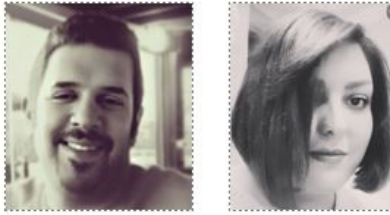
اول، خودش سوسیالیست و کمونیست نیست و بیشتر یک دمکرات است و دمکراسی در ذهنیت و تفکرش جایگاه قوی ای دارد. برای این چپ سوسیالیسم بدون دمکراسی قابل تعریف و هضم نیست، با پسوند و پیشوند باید دمکراسی اش را از دمکراسی بوش و بلر و بایدن و نتانیاهو تفکیک کند. امری که برای کمونیسم کارگری و منصور حکمت وارونه است. ما از موضع آزادیخواهی مارکسیسم و کمونیسم منتقد دمکراسی هستیم. ما دمکراسی را روایت بورژوازی از آزادی میدانیم. ما دمکراسی را به دیکتاتوری ترجیح میدهیم اما دمکراسی را افق و برنامه کارگر برای آزادی جامعه میدانیم. هر کسی که میخواهد بطور مشروح دیدگاه ما را راجع به دمکراسی عموماً و دمکراسی نیابتی خصوصاً بداند، لطفاً کتاب "دمکراسی، تعابیر و واقعیات" از منصور حکمت را بخواند.

این افراد غیر مسئول و غیر امانتدار فکر میکنند با تکرار دو کلمه "دمکراتیک و مدرن" طلا کشف کردند، رازی سر به مهری را افشا کردند در صورتی که دنیای تنگ ذهنی و محدود خودشان را بنمایش میگذارند. دمکراسی همین لجنی است که می بینید؛ حمله نظامی پیشگیرانه، به توبه کشیدن خاک چند کشور تحت عنوان "مبارزه با تروریسم"، ممنوعیت آزادی بیان و سانسور شدید، اخراج دستجمعی کارگران، انجماد دستمزدها و ایدئولوژی آنتی کمونیسم. دنیای دمکراسی روز روشن در مقابل چشم جهان در غزه نسل کشی راه انداخته اند و دولتها و موسسات و نهادها و رسانه های سوپر دمکراتیک جهان امروز پشت آبرتابد و فاشیسم سنگر گرفته اند. از دمکراسی هیتلر و موسولینی و اسلام سیاسی هم درآمد، همانطور که نتانیاهو و فاشیست ها در دو دهه اخیر در انتخابات کشورهای اروپایی درآمدند. دمکراسی همین است، این شماست کاسه داغ تر از آش شده اید!

دوم، سلامت سیاسی تان کجا رفته است؟ اصولاً میشود به شماها که بیخود و بی جهت و بی ربط و با ربط مشغول مزه پراکنی و جعل هستید اعتماد کرد؟ یک جو شرافت سیاسی حکم میکند که امانتدار باشید، موضع گوینده را قبل و بعد از این جمله راجع به دولت اسرائیل بعنوان حکومتی مذهبی و سرکوبگر مردم فلسطین بیاورید و بعد همان کلمه "مسیحانی دمکراتیک" را که تا سر حد یک مذهب ارتقا داده اید از موضع "دمکراسی برترتان" نقد کنید. شما اما این کار را نمیکند چون اهل اینکار نیستید، چون میدانید که توی تله می افتید، چون اساساً برای بحث نیامدید، آمدید متلک و دروغ بگوئید، نرم اخلاق و سلامت سیاسی تان را بنمایش میگذارید و فکر میکنید با ترور شخصیت و نشر اکاذیب و یک کلمه خارج متن میتوانید خودتان را خالی کنید.

و بالاخره، برای این نوع افراد چپ کینه توز چون عمری از حقوق دمکراتیک حرف زده و اساس "سوسیالیسم" شان همین دمکراسی بوده است، سخت است کسی علیه دمکراسی باشد و بین بیحقوقی در یک استبداد تمام عیار سیاسی با داشتن یک ذره حقوق فرق قائل شود. مخالفت سیاسی و نقد سیاسی حق هر کسی است، دروغ و شانناز نه، لودگی و نمایش کینه توزی تنها بیانگر کاراکتر و ظرفیت سیاسی جاعلینی است که نمیشود از امروز تا فردا به آنها اعتماد کرد. ۳ نوامبر ۲۰۲۳

مرگ بر سرمایه داری!



ستون اخبار کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

مرگ آرمیتا گراوند مانند مرگ مهسا امینی قتل حکومتی است!

آرمیتا گراوند، متولد ۱۳ فروردین ۱۳۸۵ و ۱۷ سال و ۶ ماه داشت. او روز یکشنبه ۹ مهر در حالی که بدون داشتن حجاب اسلامی به همراه دو نفر دیگر از دوستانش در مترو میدان شهدای تهران مانند هر روز به مدرسه می رفت با اوباشان حجاب بان به بهانه بی حجابی درگیر میشود، او را هول میدهند و سرش به لبه مترو اصابت میکند و به زمین افتاده و به کما رفت. نهادهای امنیتی بلافاصله او را به بیمارستان نظامی فجر تهران منتقل کردن و اجازه ندادند هیچ رسانه مستقلی در مورد وضعیت آرمیتا گزارش تهیه و رسانه‌های کنند و همچنین خانواده او را در انزوای خبری و رسانه ای قرار دادند که در نهایت آرمیتا بعد از گذشت ۲۸ روز، روز شنبه ۶ آبان ۱۴۰۲ اعلام کردند او در بیمارستان فجر تهران جان باخت است.

مهسا امینی در تاریخ ۲۲ شهریور ۱۴۰۱ در اتوبوس گشت ارشاد مورد ضرب و شتم قرار گرفت و به کما رفت. در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ درگذشت. فاصله ی قتل مهسا و آرمینا توسط اوباشان اسلامی یک سال و ۱۳ روز است. هر دو با یک روش و هردو هرگز از کما به زندگی برنگشتند. هر دو بعنوان قتل عمدی حکومتی در تاریخ ثبت میشود، قتل هردوی آنها باید به کیفرخواستی برای سرنگونی رژیم اسلامی و محاکمه سران جنایتکار رژیم اسلامی تبدیل شود!

ما در جامعه و کارگران ضمن اعلام تسلیت و همدردی با خانواده گراوند، قتل حکومتی آرمیتا را بشدت محکوم میکنیم. تنها راه پایان دادن به خشونت علیه زنان و آپارتاید جنسی در سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی است.

کارگران اخراجی پایانه‌ها و مخازن بندر ماهشهر دست به اعتراض زدند

بنا به گزارش منتشر شده، نزدیک به ۳۳ کارگر پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر که از یک ماه پیش با تصمیم کارفرما اخراج شده‌اند، سه‌شنبه ۲ آبان در مقابل ساختمان شرکت پایانه‌ها تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواهان بازگشت به سر کار شدند. این کارگران معترض همه از افراد اهل منطقه ماهشهر هستند. یکی از کارگران اخراجی گفته برخی مسئولان شهری وعده داده بودند که کارگران اخراج‌شده را به کار بازگردانند اما تاکنون اقدامی در این‌باره نشده است. او افزود: "از چند سال قبل به امید استخدام به‌عنوان کارگر در شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر مشغول به کار بوده‌ام اما متأسفانه وضعیت شغلی ما به یکباره تغییر کرد و بیکار شدیم". در آذر سال گذشته نیز کارگران شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر به مدت دو روز دست به اعتراض زده و خواهان رفع تبعیض و بهبود وضعیت شغلی و مزایای دریافت خود شده بودند.

تداوم اعتراض کارگران رسمی نفت در شرکت نفت و گاز آغاچاری

روز یکشنبه ۷ آبان‌ماه ۱۴۰۲، کارگران رسمی وزارت نفت شاغل در شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مجدداً دست به تجمع زدند. اعتراض کارکنان رسمی وزارت نفت شاغل در مراکز عملیاتی نسبت به عدم رسیدگی به حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مازاد مالیات و اجرای کامل ماده ۱۰ با وجود ظرفیت‌های قانونی و اختیاراتی مانند افزایش درصد گرید و اپریزال است. تجمع اعتراضی کارگران رسمی شاغل در شرکت نفت فلات قاره

روز یکشنبه ۷ آبان تا روز چهارشنبه ۱۰ آبان‌ماه ۱۴۰۲ کارگران رسمی وزارت نفت شاغل در شرکت نفت فلات قاره و در مناطق عملیاتی جزیره خارک و سیری در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان دست به تجمع زدند. مطالبات اصلی این کارکنان، حذف کامل سقف حقوقی و عدم تفکیک نابجای مشاغل عملیاتی، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مازاد مالیات و عدم دست‌درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت است. لازم به ذکر است روز دوشنبه ۸ آبان‌ماه، کارکنان رسمی شاغل در سکویای بلال و ایلام نیز دست به تجمع زدند.

اعتراض کارکنان رسمی شرکت پایانه‌های نفتی جزیره خارک

روز سه‌شنبه ۹ آبان‌ماه ۱۴۰۲، کارکنان رسمی شرکت پایانه‌های نفتی جزیره خارک در اعتراض به حذف کامل سقف حقوق و پرداخت دستمزد طبق قوانین و همچنین حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، پرداخت طبق سابقه اشتغال، حقوق مکتسبه طی سال‌های متمادی (بعضا تا ۴۵ سال خدمت) و کارکنان اخیرالاستخدام شاغل در مناطق عملیاتی وزارت نفت، نسبت به نحوه تعیین کف حقوق و مزایای به شکل حداقلی، مجدداً دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی کارگران خدمات شهری شهرداری ایلام

روز شنبه ۶ آبان ۱۴۰۲، کارگران خدمات شهری شهرداری ایلام به دنبال عدم پرداخت حقوق مقابل دادرسی عمومی و انقلاب تجمع اعتراضی برپا کردند.

اعتصاب کارگران کارخانه‌ی شونیز تبریز

روز ۶ آبان، کارگران کارخانه‌ی شکلات‌سازی شونیز تبریز (شرکت صنعتی داداش برادر) در اعتراض به عدم افزایش حقوق و وضعیت بد معیشتی خود دست از کار کشیدند و در محوطه‌ی شرکت دست به تجمع زدند.

کارگر مصدوم اداره برق انزلی جان باخت

یک منبع کارگری از فوت کارگر اداره برق انزلی که چندی پیش بر اثر حادثه برق گرفتگی زخمی شده بود، خبر داد. بنا براین گزارش: "رضا صابر باغی" کارگر اداره برق انزلی که روز ۲۵ مرداد ماه در حین عملیات رفع نقص کابل‌های برق در محدوده خیابان پرستار انزلی دچار جراحات و سوختگی شده بود، در بیمارستان مهر در تهران جان باخت. طبق اظهارات کارگران، این کارگر با سوختگی حدود ۸۰ درصدی به بیمارستانی در تهران اعزام شده بود. رضا صابر باغی با ۴۵ سال سن حدوداً ۲۱ سال سابقه کار در اداره برق شهرستان انزلی را داشت.

راسک: درگیری با نیروهای نظامی در پی زخمی شدن یک سوختیر

روز ۱۰ آبان ۱۴۰۲، بدنیا مجروح شدن یک سوختیر با تیراندازی مستقیم نیروهای نظامی در محدوده منطقه جکیگور راسک، شهروندان در اعتراض به این اقدام مأموران نظامی با آنان درگیر شده اند. به گفته منابع محلی: "نیروهای نظامی با تیراندازی مستقیم و بدون هشدار در ورودی جکیگور و نزدیک پل به سمت یک خودرو سوختیر قصد توقیف خودرو را داشتند که با اعتراض اهالی منطقه جکیگور به درگیری بین آنان و نیروهای نظامی کشیده شده است".

تجمع اعتراضی بازنشستگان

روز یکشنبه ۷ آبان‌ماه ۱۴۰۲ جمعی از بازنشستگان صنایع

ستون اخبار کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

وکلایش جوامیر عبداللهی و هیمین مجیدی به وی ابلاغ شده است. لازم به ذکر است که روز دوشنبه ۲۴ بهمن ماه ۱۴۰۱، سروه پورمحمدی با تودیع قرار وثیقه به صورت موقت تا پایان مراحل دادرسی از کانون اصلاح و تربیت سندانج آزاد شد. روز یکشنبه ۹ بهمن ماه ۱۴۰۱، این شهروند در حین پیگیری وضعیت اعضای بازداشتی انجمن فرهنگی-اجتماعی "نورین" در دادگاه کذایی انقلاب سندانج توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود.

ممانعت مجدد از اعزام داود رضوی به بیمارستان

به گزارش کانال تلگرام سندیکای کارگران شرکت واحد، داوود رضوی فعال کارگری و عضو هیات مدیره این سندیکا که از ۵ مهر ماه ۱۴۰۱ بازداشت می‌باشد، به دنبال شرایط نامناسب زندان و بازجویی‌های طولانی از مدتها پیش دچار بیماری معده، مشکلات بینایی و زانو درد شده است و طی اعزام به بیمارستان تحت درمان و اندوسکوپی قرار گرفته است و طبق نظر پزشک ادامه‌ی درمان و مراجعه‌های مرتب و سر وقت برای چک کردن وضعیت ایشان ضروری و لازم است. با این‌وجود در تاریخ ۳ آبان ۱۴۰۲، مسئولین زندان اوین از اعزام داود رضوی به بیمارستان جهت ادامه‌ی روند درمان به علت نپوشیدن لباس زندان ممانعت به عمل آوردند.

تائید حکم ۱۶ ماه حبس تعزیری عثمان اسماعیلی

روز دوشنبه آبان‌ماه ۱۴۰۲، طی ابلاغیه‌ای حکم ۱۶ ماه حبس تعزیری عثمان اسماعیلی فعال کارگری اهل شهر سقز که توسط دادگاه کذایی انقلاب شهر سقز صادر شده بود، توسط دیوان عالی کشور عیناً تائید شد و بایستی طی ۱۰ روز پس از درج این ابلاغیه، به شعبه دوم اجرای احکام دادرسی سقز جهت اجرای این حکم مراجعه کند.

حکم بدوی سپیده رشنو صادر شد

سپیده رشنو از صدور حکم بدوی خود خبر داد. بر اساس آنچه او اعلام کرده است، به شش ماه حبس تعزیری، ده میلیون تومان جزای نقدی، یک سال ممنوعیت از حضور در اینستاگرام و امحا و حذف دائمی صفحه فعلی خود محکوم شده است. او در ادامه نوشته است: شش ماه حبسی که سه سال و هفت ماه از پرونده اول (اتوبوس تیرماه) را از تعلیق خارج می‌کند. در مجموع چهار سال و یک ماه حبس.

تائید حکم زندان عاتکه رجبی

دادگاه کذایی شعبه ۳۵ تجدید نظر خراسان حکم شش ماه زندان عاتکه رجبی فعال صنفی معلمان را تائید کرد. این فعال صنفی پیش تر طی حکمی از سوی تخلفات آموزش و پرورش اخراج شده بود. در حکم شش ماه زندان عاتکه رجبی، دوماه آن تعزیری است و چهار ماه آن به مدت ۵ سال تعلیق شده است.

احضار سیامک چهارزی به دادگاه کذایی انقلاب

سیامک چهارزی معلم و فعال صنفی معلمان به شعبه ۱۳ بازپرسی دادگاه انقلاب اهواز احضار شد. در ابلاغیه این فعال صنفی معلمان، بدون ذکر اتهام انتسابی از وی خواسته شده جهت اخذ آخرین دفاع به شعبه مربوطه مراجعه کند. در یک سال اخیر فشار بر فعالین صنفی از طرف نهاد های امنیتی و قضایی افزایش یافته است. اخراج و انفصال، تشکیل پرونده های جدید و صدور احکام سنگین نمونه ای از این فشارها است.

احضار مجدد حسین واحدی (داریوش اشکانی)

حسین واحدی بازرس ارشد انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی بعد از ابلاغیه احضارش در ۱۴۰۲/۸/۱۶ دادگاه کیفری دادگستری به اتهام نشر اکاذیب، دوباره توسط شعبه اول دادگاه انقلاب شهرستان بجنورد، خراسان شمالی در تاریخ ۱۴۰۲/۹/۸ با اتهام تبلیغ علیه نظام احضار شده است!

تائید یک سال زندان برای دانشجویان معترض به مسمومیت‌ها

هستی امیری و ضیاء نبوی دانشجویان معترض به مسمومیت‌های سریالی در دادگاه تجدیدنظر نیز به یک سال حبس تعزیری

فولاد اصفهان، تهران و خوزستان مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد این استانها و بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش، کرمانشاه، اهواز و اراک مطابق با یکشنبه‌های اعتراضی در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان مقابل ساختمان سازمان تأمین اجتماعیان شهرها دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

تجمع و راهپیمایی اعتراضی بازنشستگان مخابرات

روز دوشنبه ۸ آبان ماه ۱۴۰۲ جمعی از بازنشستگان مخابرات در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی، مطابق تجمعات هر هفته دوشنبه‌های اعتراضی، مجدداً مقابل شرکت مخابرات شهرهای اهواز، رشت، زاهدان، خرم‌آباد، کرمانشاه، سندانج، اصفهان، ارومیه، زنجان، تبریز، ساری، اندیمشک، اراک، شیراز، قزوین، ایلام، اردبیل، همدان، بندرعباس و تهران دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان کشوری

روز سه‌شنبه ۹ آبان‌ماه ۱۴۰۲، جمعی از فرهنگیان بازنشسته و دیگر بازنشستگان کشوری در کرمانشاه، اهواز، همدان، سندانج، قزوین و ایلام مجدداً و مطابق با سه‌شنبه‌های اعتراضی و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان و همچنین پیگیری خواست آزادی بی‌قید و شرط معلمان و کارگران زندانی و اعتراض به فشار و پرونده سازی دستگاه‌های امنیتی علیه فعالین سیاسی و اجتماعی دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی معلولان مقابل سازمان برنامه و بودجه

روز یکشنبه ۷ آبان ۱۴۰۲ تعدادی از معلولان در اعتراض به عدم اجرای ماده ۲۷ قانون معلولان مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع اعتراضی برگزار کردند. لازم به ذکر است در همین روز، معلولان در اصفهان نیز مقابل بهزیستی اصفهان دست به اعتراض زدند.

پیام پوران ناظمی در مورد احکام سنگین دادگاه کذایی جیرفت

پوران ناظمی، فعال مدنی، در یک فایل صوتی، با مخاطب قرار دادن حفاظت قوهی قضائیه، دادستان کرمان و جیرفت، حفاظت اطلاعات سپاه و نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات می‌گوید: "تا وقتی وکلای منتخب نتوانند در تمام مراحل بازجویی حضور داشته باشند و تا وقتی دادگاه‌ها با حضور هیئت منصفه برگزار نشود، نافرمانی مدنی تنها شیوه اعتراض من است". اخیراً شعبه‌ی اول دادگاه کذایی انقلاب جیرفت، پرونده‌ای برای پوران ناظمی تشکیل داده و او را به اتهامات سنگین از جمله اهانت به مقدسات اسلام، اقدام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی، محاربه و افساد فی الارض متهم کرده است. او در قسمتی از این فایل در واکنش به این اتهامات می‌گوید: "من نه تنها از شما درخواست تخفیف مجازات ندارم، بلکه در پیشگاه ملت ایران درخواست می‌کنم اگر فعالیت مدنی و الزام به رعایت حقوق بشر جنایت است، اگر اقدام مسلحانه داشته‌ام، اگر توهین به اسلام کرده‌ام، با ارائه‌ی سند محاکمه شوم". در انتهای این فایل او "ورود وکلای مستقل در پرونده، ارائه‌ی دلیل مستند بر این اتهامات و محاکمه‌ی عادلانه با حضور هیئت منصفه" را تنها درخواست خود عنوان می‌کند.

حکم ۱۰ سال زندان برای سروه پورمحمدی

سروه پورمحمدی، عضو انجمن فرهنگی - اجتماعی "نورین" توسط شعبه اول دادگاه انقلاب سندانج به ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم شد. دادگاه کذایی انقلاب سندانج به ریاست قاضی "کریمی" به اتهام "تشکیل گروه و دستجات" این حکم را برای خانم پورمحمدی صادر کرده است. حکم حبس این عضو "نورین" روز پنج‌شنبه ۴ مهرماه از طریق

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

Saeed_arman2002@yahoo.co.uk

دبیر اجرایی

همایون گدازگر

Homayon_1954@yahoo.de

PARLOW TV
تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،

سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

saidyegan@gmail.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

نفسی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست
کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی
کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!